



مدارس پناهگاه می شوند

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش درباره استفاده از مدارس به عنوان «پناهگاه» توضیحاتی داد. به گزارش ایسنا، علی فرهادی در این باره گفت: «مدارس فضا را تامین می کنند اما باید استانداردی ها پای کار باشند. آب، برق، گاز و تجهیزات مورد نیاز در مدارس وجود دارد. استانداری ها، فرمانداری ها، بخشداری ها و دهیاری ها در این خصوص به کمک آموزش و پرورش می آیند.» او با بیان اینکه آموزش و پرورش در هر استانی تابع دستورات استاندار است، گفت: «چنانچه شرایط خاص پیش بیاید، استاندار تصمیم گیری و آموزش و پرورش هم همراهی می کند.» سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه قطعاً استفاده از ظرفیت تمام مدارس برای این کار نه لازم و نه ممکن است، ادامه داد: «باتوجه به نیاز، از ظرفیت های مدارس می توان استفاده کرد. در استان ها و شهرها بررسی انجام می شود، استانداری نظارت می کند و اداره کل آموزش و پرورش هر استان به صورت هماهنگ با استاندار برای مدیریت بحران، همراهی خواهد کرد.»



تامین نیاز خون مراکز درمانی

معاون اجتماعی سازمان انتقال خون، از وضعیت مطلوب ذخایر خونی کشور خبر داد. به گزارش ایسنا، شهرام میرزایی، درباره وضعیت تامین نیاز فرآورده های خونی در مراکز درمانی گفت: «خوشبختانه، وضعیت ذخایر خونی در کشور مطلوب قلمداد می شود و میزان ذخایر خونی کشور بیش از ۹۰ روز است. در حال حاضر، مشکلی در زمینه ذخایر خونی وجود ندارد و سازمان انتقال خون، پاسخگوی نیاز مراکز درمانی است.» او ادامه داد: «اگر سازمان انتقال خون برای تامین نیاز مراکز درمانی به کمک مردم نیاز داشته باشد، این موضوع را از طریق رسانه ها اعلام می کند.» میرزایی گفت: «شبکه ملی خون رسانی کشور، نیاز مراکز درمانی به خون را تامین می کند. بازم تاکید می کنم که باتوجه به ذخایر خونی کشور، در زمینه تامین نیاز مراکز درمانی در حال حاضر با مشکل مواجه نیستیم.»



کمیود دارویی نداریم

رئیس سازمان غذا و دارو اعلام کرد: «کمیود دارویی در نتیجه حملات رژیم صهیونیستی نداریم و هیچ گونه جای نگرانی نیست.» به گزارش ایلنا، مهدی پیرصالحی درباره شرایط کشور از نظر دارویی گفت: «در همان روزی که حملات رژیم صهیونیستی اتفاق افتاد، در اولین زمان ممکن اعلام آماده باش شد و فوراً شرکت های تجهیزات پزشکی و دارویی و در حقیقت شرکت های توزیع و تامین کننده را به سازمان غذا و دارو فراخواندیم، با آنان جلسه گذاشتیم و درباره عدم وجود مشکل اطمینان خاطر را به دست آوردیم.» او ادامه داد: «به مردم نیز گفتیم که جای هیچ گونه نگرانی نیست و هر موضوعی که باشد، ان شاء الله خیلی سریع همه را جبران می کنیم و اجازه نمی دهیم که شرایط - خدای ناکرده - بحرانی باشد. این موضوع با استقبال شرکت های دارویی و تجهیزات پزشکی مواجه شد و آنان نیز مثل همیشه قول دادند که در کنار ما باشند تا ان شاء الله از این بحران - یا بهتر بگوییم چالش - هم به سلامتی عبور کنیم.»

ترکش و انفجار بر تن تهران

گزارش میدانی «هم میهن» از حمله اسرائیل به مناطق مسکونی پایتخت و گفت وگو با بازماندگان شهدا

الهه محمدی - سارا سبزی

گروه اجتماعی

یک روز پس از ظهر ملتهب ۲۵ خردادماه تهران است؛ باقی مانده آوارهای حمله به شهر در حال جمع شدن است، آوارهای خانه های مسکونی و ساختمان های فرو ریخته در بلوار کشاورز، آپادانا، میدان قدس، سپهروردی، عشقیار، شریعتی و قدوسی که هدف حمله اسرائیل قرار گرفتند و هنوز هم پیکرهایی لابه لای تل سنگ، خاک و آهن در آنها مفقودند.

حوالی سه بعد از ظهر ۲۵ خردادماه، دو پرتابه به میدان قدس تهران اصابت کرد؛ یکی به دفتر امور مساجد که بالای ساختمان بانک شهر است و دیگری به خودروها، رهگذران و عابران منتظر پشت چراغ قرمز؛ شهروندانی عادی، شهروندانی غیرنظامی، مثل متین صفائیان ۱۶ ساله، مثل صالح بابرامی، گرافیکست ۴۲ ساله ای که او هم همان جانش را از دست داد. مثل صاحبان خودروهایی که از آنها یک تکه آهن باقی ماند. هنوز تعداد کشته ها و جانباز خسته های حملات دیروز مشخص نیست، اما تا روز سوم حمله اسرائیل به ایران، ۲۲۴ نفر کشته شده اند. حسین کرمانپور، رئیس مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت، روز یکشنبه اعلام کرده بود که بعد از گذشت ۶۵ ساعت از تجاوز اسرائیل، ۱۴۸۱ نفر مصدوم و شهید شده اند که از این تعداد ۱۲۷۷ نفر در بیمارستان های دانشگاهی کشور بستری شده و بیش از ۹۰ درصد آنها غیرنظامی اند. از میان این مصدومان هم ۵۲۲ نفر ترخیص شده اند و ۲۲۴ زن، مرد و کودک شهید شده اند.

شهر بعد از حمله روز گذشته نیمه تعطیل شده و صف های کیلومتری پمپ بنزین ها تمام نمی شود، درست مثل صفی که از ابتدای خیابان تجریش تا پمپ بنزین نزدیک باغ فردوس ادامه دارد. از حمله دیروز به میدان قدس و ابتدای خیابان باهنر، یک گودال عمیق دو، سه متری روبه روی شهرداری منطقه و یک ساختمان متلاشی باقی مانده است. ماشین های آتش نشانی و خودروهای آفا و پلیس دور تا دور میدان قدس ایستاده اند و با یک نوار زرد آن را محصور کرده اند. تردد خودروها محدود شده است و صدای عملیات امدادی قطع نمی شود. نیروهای آب و فاضلاب چند متر جلوتر، درست در ابتدای خیابان باهنر داخل گودال ناشی از انفجار در حال تعمیر لوله های تخریب شده اند و چند نفری از آنها که بیرون ایستاده اند، می گویند شاید تا عصر امروز آب وصل شود. قطعی آب تا مناطق یک، دو و سه هم رسیده است و یکی از نیروهای آفا می گوید از اینجا تا ولنجک و سر خیابان خاقانی آب قطع شده است. ۲۰ تانکر از همه مناطق آفا آمده اند و زمان

زیادی می برد که از آب پر شوند و به مناطق آبرسانی کنند؛ چون تعدادشان هم کم نیست و پنج لوله اصلی آب ترکیده است. زن و مرد جوانی رو به میدان ایستاده اند. دختر جوان در یک رستوران در فرشته کار می کند که حالا به دلیل قطعی آب، تعطیل شده. مرد جوان فکر می کند که میدان را با موشک زده اند: «انگار چیزی از داخل زده اند، مثل شهران.»

کمی پایین تر از شهرداری منطقه یک، محل ساختمانی است که مورد اصابت قرار گرفته. ساختمان متعلق به سازمان امور مساجد بود و بالای بانک شهر قرار داشت و هنوز فرو ریخته و آواربرداری نشده؛ این یعنی پیکره ای مفقودی احتمالی هنوز بیرون نیامده اند. موج انفجار روز گذشته ساختمان های روبه رو را هم تخریب کرده است؛ پارکینگ شهرداری، داروخانه و یک گل فروشی. عابران پیاده روبه روی ساختمان متلاشی شده می ایستند، نگاه می کنند، درسا ره اش حرف می زنند و فکر می کنند هدف هر دو

موشکی که دیروز به میدان قدس خورد، همین ساختمان بوده. مردی با لباس مشکی به ساختمان فرو ریخته نگاه می کند، سیاهیوش عزای سفنر از همکارانش است که با موج انفجار ساختمان روبه رو و شکستن شیشه ها جان شان را از دست داده اند: «دفترمان با خاک یکسان شد. من حیاط پشتی بودم، موج انفجار هم زیاد بود. ترکش اش پیچ گوشتی بود. در تراس داشتیم نگاه می کردیم و پهباد را هم دیدیم. مدیرمان، دخترش و مدیر آی تی شرکت کشته شدند.» اندازه پهبادی که دیده را نشان می دهد؛ بزرگ و به اندازه فاصله بین دو جدول کنار. صاحبان مغازه های کناری از هم نام دوستان شان را می پرسند که ببینند زنده مانده اند یا نه؟

«اگر زیر آوارها آدم باشد چی؟» این را مرد میانسالی می گوید که به ساختمان مورد حمله نگاه می کند: «طبقه دوم هنوز آوار دارد، اگر آدم زیر آوار مانده باشد، پیکرش چه می شود. اصلاً نتوانسته اند داخل آن بروند که جنازه ای هم بیرون بیاورند. او از ماشینی می گوید که دیروز به شدت آسیب دیده بود و از روز قبل همچنان دست نخورده همانجا مانده بود. فکر می کند که اگر راننده اش در آن مانده باشد چه؟ ساختمان امور مساجد و بانک شهر چه چیزی دارد که اینجا زنده اند؟»

صاحب یکی از داروخانه های روبه رو می گوید بعد از حمله، موج انفجار همه قفسه ها را پایین ریخت: «وقتی چشم هایم را باز کردم، دیدم دوشمتری زخمی شده اند و آجر روی سر صورت شان پرت شده است. ترکش های حمله به زیر زمین داروخانه که یک عطاری است هم رسیده بود. وقتی به آن لحظه فکر می کنم، تن و

بدنم می لرزد. همه ماشین هایی که در این منطقه بود، پرس شده بودند، مثل کاغذ. چنان روی ماشین فرود آمده بود که به زمین چسبیده بودند.»

زن دیگری که مالک مغازه ای در پاساژ قائم بود، چند دقیقه قبل از انفجار در حال بستن مغازه اش بود که ناگهان صدایی همه چیز را تکان داد. او کشته ها را دیده بود، خودروهایی که مثل کاغذ مچاله شده را هم دیده بود. «دیروز ۵۰ تا جنازه فقط از آن وسط درآوردند. ماشین ها پرس شده بود، خرد شده بودند. وحشتناک بود.» او هم دیروز تصمیم گرفته بود که شهر را ترک کنند و به منطقه ای امن تر بروند؛ ساعت ۱۵ از تجریش به سمت شهر پردیس حرکت کرد و ساعت سه نیمه شب رسید.

نازنین هم یکی از ساکنان میدان ولیعصر است. او شاهد لحظات بعد از حمله روز یکشنبه به نقاطی در میدان ولیعصر تهران بود؛ خانه ای در بلوار کشاورز، انفجار یک خودرو در خیابان زرتشت و ساختمان وزارت امور خارجه. او می گوید: «دیروز سمت میدان ولیعصر وحشتناک بود. تا قبل از آن فقط شب ها صدای پهباد را می شنیدیم. اما روز یکشنبه قبل از ساعت چهار صدای انفجارهای متعددی می آمد، وقتی از خانه بیرون آمدیم، دیدیم پشت هتل اسپیناس یک خانه مسکونی مورد حمله قرار گرفته. همه مسافره های هتل از ترس بیرون ریخته بودند. همان قسمت همسریک مرد زیر آوار مانده بود و تا وقتی آنجا بودم ندیدم که او را بیرون بیاورند. غیر از آن، کنار ما خانواده ای بودند که پدر و مادر زیر آوار مانده بودند و نوه ها و مادر بزرگ بیرون بودند. مادر خانواده را با صورت زخمی و وحشت زده بیرون کشیده بود، یک مرد دیگر را هم که موج انفجار او را گرفته بود هم از زیر آوار بیرون کشیده شد؛ آنقدر ترسیده بود که دخترش را پس می زد، می گفت مرگ را با چشم هایم دیدم. فقط می گفت با من صحبت نکنید، صدایتان من را دارد دیوانه می کند. سمت خیابان زرتشت یک خودرو منفجر شد و نمی دانم انتحاری بود یا نه؟ سمت میدان فاطمی هم وزارت کشور را زدند.»

شهادهای خیابان شریعتی

قصه شهدا و مجروحان هم به تاختی تمام، همچنان ادامه دارد. در این حمله، سعید موسوی ۶۵ ساله، فاطمه موسوی ۶۵ ساله و حدیثه موسوی ۳۷ ساله سفنر از کسانی بود که در حمله اسرائیل به خیابان مجبی در خیابان شریعتی تهران جان خود را از دست دادند اما هنوز هیچ نشانی از پیکرهایشان در دست نیست. محمد پسر بزرگ این خانواده ۳۱ ساله، صبح روز ۲۵ خردادماه وقتی

